



مقصر مشکلات مردم

مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران در همایش «در مسیر عدالت؛ عدالت شغلی، توازن منطقه‌ای» گفت: «رعایت انصاف و برخورد منصفانه با همه اقشار جامعه، چه افراد مورد پذیرش و چه مخالفان، اساس تحقق عدالت است. در عموم موارد، مقصر مشکلات مردم، تصمیم‌گیران هستند و بی‌توجهی به این اصول باعث شکل‌گیری نارضایتی و کاهش اعتماد عمومی می‌شود. اقامه عدل در جامعه، نور چشم حاکمان و مردم است و آزادی، ارتباطات، برادری و انصاف را در بر می‌گیرد.» رئیس‌جمهور بایران اینکه با همکاری، همدلی و انسجام، می‌توان بحران‌ها را پشت سر گذاشت و عدالت را به صورت عملی در جامعه پیاده کرد، در پایان سخنان خود از همگان خواست که دانشش و توان خود را برای خدمت به کشور به کار گیرند و اظهار داشت: «کسی که می‌داند و می‌تواند، باید وارد عمل شود تا از این بحران‌ها عبور کنیم و کیفیت عبور موفق ما از این بحران‌ها بر اساس میزان اجرای عدالت تحقق خواهد یافت.»



نگاه ملی و عدالت‌محور در گزینش

محمدجعفر قائم‌پناه، معاون رئیس‌جمهور و رئیس هیئت عالی گزینش کشور در گردهمایی هیئت‌های مرکزی گزینش با بیان این‌که «گزینش در جمهوری اسلامی نه‌فقط یک سازوکار اداری که تبلور اخلاقی، عدالت و امانت در مدیریت سرمایه انسانی کشور است»، اظهار کرد: «هر تصمیم هیئت‌های گزینش نه‌فقط درباره یک فرد، بلکه درباره اعتماد مردم به ادامه عدالت اداری کشور است.» وی با تأکید بر این‌که «دولت جای توانمندان و دانایان است»، ادامه داد: «هیچ سیاست، بخشنامه و سلیقه‌ای نباید این قاعده را برهم بزند. اگر در گزینش به‌جای معیار شایستگی، ملاحظات شخصی و محدودکننده را بنشانیم، در واقع دولت را کوچک نکرده‌ایم، بلکه ایران را کوچک کرده‌ایم. ایران بزرگ را نباید کوچک بشماریم. دکتر پزشکیان همواره بر عمل در مدار تقوا به‌معنای حرکت بدون خطا تأکید دارد.» قائم‌پناه با اشاره به این‌که «تقوا و شایسته‌گزینی دو بال اصلی پیشرفت نظام اداری و سیاسی ایران است»، گفت: «هرگاه این اصول نادیده گرفته شوند، اعتماد عمومی و کارآمدی دولت آسیب خواهد دید. ما باید در گزینش به‌جای نگاه محدود و فردی، نگاه ملی و عدالت‌محور داشته باشیم تا ایران همواره در مسیر رشد و تعالی گام بردارد.»



حفظ آرامش جامعه

محمدرضا عارف، معاون اول رئیس‌جمهور در نشست‌ی با مدیران ارشد نهادهای اجتماعی-اقتصادی گفت: «در بدنه حاکمیتی نباید پایبند نام‌ها و جایگاه‌ها باشیم و مهم خدمت به مردم و حفظ آرامش جامعه است.» وی با تأکید بر اهمیت حفظ آمادگی در شرایط توقف آتش و با بیان اینکه باید دست ما در برابر دشمن پُر باشد، به برنامه‌های تهیه‌شده اقتصادی و مدیریتی در دولت چهاردهم اشاره و تأکید کرد: «در دوران جنگ ۱۲ روزه دولت به وزرا و استناداران اختیارات لازم را تفویض کرد و با رئیس‌جمهور و معاون اول رئیس‌جمهور نیز در اتخاذ تصمیمات و اقدامات هماهنگی‌های لازم را به‌عمل می‌آورند.»

تاریخ سیاست



گلایه‌ها متفاوت بود. بنی‌صدر و آیت‌الله خامنه‌ای تناقض‌های سمت ریاست‌جمهوری و نخست‌وزیری را مغلل اختیارات رئیس‌جمهور می‌دانستند و خاتمی کوچک بودن اختیارات رئیس‌جمهور حتی کمتر از آنچه قانون اساسی مشخص کرده بود را مانع کار می‌دانست. احمدی‌نژاد بر استقلال رئیس‌جمهور تأکید داشت و روحانی جنگ اقتصادی را عاملی برای دریافت اختیارات بیشتری دانست.

انتقاد به نظارت‌های شورای نگهبان و تفسیرهایی که از قانون اساسی دارد، یکی از محورهای پنهان اختیارات رئیس‌جمهور بود. تقریباً همه رؤسای‌جمهور به جز ابراهیم رئیسی منتقد محدودیت‌هایی که شورای نگهبان در مصوبات و لوایحی که دولت وضع می‌کند، بودند.

در ادامه نگاهی گذرا به تلاش رؤسای‌جمهور برای افزایش اختیارات در طول سال‌های پس از پیروزی انقلاب خواهیم داشت.

❖ بنی‌صدر؛ نامه‌ای که مقبول افتاد

ابوالحسن بنی‌صدر موضوع گسترش اختیارات رئیس‌جمهور را در دوران ریاست خود مطرح کرد. او معتقد بود با توجه به وقوع انقلاب و شرایط کشور برای تمرکز بر تصمیم‌گیری‌ها و خروج از بحران‌هایی که انقلاب در پی دارد، باید اختیارات بیشتری را برای رئیس‌جمهور در نظر گرفت. از طرفی وی معتقد بود از آنجایی که مستقیماً از طرف مردم انتخاب شده است، باید اختیارات اجرایی بیشتری داشته باشد.

امام خمینی در اردیبهشت‌ماه سال ۵۹ در پی نامه‌ای که بنی‌صدر برای تفویض برخی اختیارات به وی زد، با این درخواست موافقت کرد. بنی‌صدر در این نامه نوشته بود: «نظر به اوضاع کشور و مقابله قاطع با توطئه‌ها و حوادث، ضروری دید بر اساس گفت‌وگوهای مفصلی که حاج احمد آقا به عرض می‌رسانند خواهان سه امر زیر بشوم: ۱- انتخاب نخست‌وزیر با تصویب امام. ۲- قوای انتظامی در اختیار و به دستور عمل کنند. ۳- دستگاه‌های تبلیغاتی باید بر خلاف مصالح کشور و مخالف سیاست‌جمهوری اسلامی نباشد و آزادی آنان در حدود قوانین اسلامی باید مراعات شود. اطمینان می‌دهد که با وجود همه مشکلات در صورتی که وسائل کار در دسترس و به اختیار باشند، هیچ‌گونه خطری متوجه انقلاب اسلامی و کشور عزیز نخواهد شد.»

❖ آیت‌الله خامنه‌ای؛ پایان دوگانه رئیس‌جمهور - نخست‌وزیر

در دوران ریاست‌جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای، تجربه ده سال اداره کشور با سیستم رئیس‌جمهور - نخست‌وزیر سرانجام منجر به بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی شد. از یک سو نخست‌وزیر معتقد بود که اختیارات لازم را ندارد و از سوی دیگر رئیس‌جمهور نیز چنین دیدگاهی داشت و در اواخر دهه ۶۰، یکی از مسائل مهم حذف نخست‌وزیری برای افزایش اختیارات رئیس‌جمهور بوده است.

آیت‌الله خامنه‌ای درباره ضرورت بازنگری در قانون و تغییر اختیارات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر گفت: «علماً آن‌طور که انسان می‌فهمد طبق تجربه، برای مسئولیت‌آداری کشور یعنی مدیریتی در این سطح، با توجه به انواع پیچیدگی‌های سیاسی و عملی که برای یک چنین مسئولی وجود دارد یک اقتدار حقیقی لازم است... وضع موجود دو اشکال اصلی دارد: یکی اینکه اقتدارات ریاست قوه‌ی مجریه و مدیریت کشور اقتدارات بسیار محدود و کمی است. منظوم اقتدارات رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر با هم است. یعنی این دو تا که حق یک نفر بوده و حالا تقسیم شده، همین مجموعاً برای آداری یک کشور کم است... اشکال بعدی این است که همین هم تجزیه شده، یعنی بخشی از اقتدارات و اختیارات در اختیار رئیس‌جمهور است، بخشی در اختیار نخست‌وزیر است. این‌ها از جمله چیزهایی که در عمل قابل تقسیم باشد هم نیست.» (صورت مشروح مذاکرات شورای بازنگری قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران).

وی در سخنرانی دیگری که در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله در سال ۶۷ انجام شد، یک بار دیگر به محدود

پس از انتشار این گزارش، روزنامه کیهان در یادداشتی با انتقاد از آن، اختیارات ویژه رئیس‌جمهور را بازی تکراری غرب‌گرایان با دستاویز «اختیارات محدود دولت» دانست. به اعتقاد کیهان «طیف موسوم به اصلاحات برای توجیه کم‌توانی، کم‌کاری و ناکامی در مدیریت و برنامه‌ها با تمسک به درخواست اختیارات مضاعف از پاس‌خوگی فرار می‌کند.» البته چنین تحلیلی در برابر هم وجود دارد که مخالفت با افزایش اختیارات ترس از به هم خوردن توازن قدرت بوده است هر رئیس‌جمهوری که برای جابه‌جایی مرزهای اختیاراتش تلاش کرده است، با مقاومت‌های نه‌تنها سیاسی که مقاومت ساختاری نهادهای دیگر نیز روبه‌رو می‌شود.

طرح اعطای اختیارات ویژه در ادوار مختلف ریاست‌جمهوری پس از انقلاب مطرح شد و هر کدام از رؤسای‌جمهور نسبت به حدود اختیارات و وظایفی که برعهده داشتند انتقادات و نقطه‌نظرهای متفاوتی داشتند. چرخه دائمی تقاضای اختیارات بیشتر تقریباً در تمامی ادوار ریاست‌جمهوری مطرح بود. بیشتر رؤسای‌جمهور از محدودیت اختیارات خود گلایه داشتند اما جنس

علی‌مرشدی‌زاد استاد علوم سیاسی:

اختیار رؤسای‌جمهور بنابر خاستگاه سیاسی‌شان متفاوت است

است. همچنین لایحه آزادی اطلاعات در این دوره مطرح می‌شود تا جامعه از اطلاعات بیشتری بهره‌مند شود. اقدامات آقای خاتمی در راستای قدرت بخشیدن به جامعه مدنی و بخش انتخابی در مقابل تلاشی بود که برای تقویت بخش انتصابی جامعه صورت گرفته بود. این رقابت همچنان ادامه دارد و دوگانگی این وضعیت را می‌طلبد.

❖ کدام‌یک از دولت‌ها، در کسب اختیارات ویژه موفق‌تر بودند؟

به نظر می‌رسد رقابت دولت‌ها ادامه داشته، برای نمونه خاتمی در اواخر دوره ریاست‌جمهوری‌اش این لوائح را مطرح کرد و نتوانست به اختیارات دست پیدا کند. دولت‌های به نظر همسوتر، توانستند اختیاراتی به دست بیاورند که علت آن نیز همسو بودن با جریان حاکمیت بود و دولت‌های غیرهمسو در تلاش برای به دست آوردن اختیارات بودند و معمولاً هم مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت.



راتنگ می‌کنند. این وضعیت پس از انقلاب در بازه‌های متفاوتی رخ داد؛ یک دوره به دلیل ارتباط رئیس‌جمهور - نخست‌وزیر مطرح بود، چه در دوره بنی‌صدر و چه در دوره‌های بعدی رؤسای‌جمهور احساس می‌کردند نخست‌وزیر جایگاه آنها را تنگ کرده است و بالعکس. تا سال ۶۸ رقابت بین رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر مطرح بود که هر کدام خواهان اختیارات بیشتری بودند. بعد از این سال و با تغییر قانون اساسی شرایط در ارتباط با دو نوع مقام در کشور مطرح شده است: مقام‌های انتصابی و انتخابی. مقامات این دو بخش تلاش می‌کنند جایگاه خود را تقویت کنند و قدرت بیشتری به دست آورند. عامل اصلی که این قدرت را کاهش و یا افزایش می‌دهد، شورای نگهبان است. در واقع این شورا گاه کشور ما است که در تفسیر قوانین اختیارات را کم و زیاد می‌کند. برای مثال در دوره آقای خاتمی لوائح دوگانه در واقع برای بازکردن فضا بوده

علی‌مرشدی‌زاد، استاد علوم سیاسی، در گفت‌وگو با هم‌میهن با اشاره به دوگانگی قدرتی که منجر به درخواست اختیارات ویژه رؤسای‌جمهور شده است می‌گوید گره این درخواست‌ها دست شورای نگهبان است که در بازه‌های مختلف اختیارات را کم و زیاد کرده است.

❖ رؤسای‌جمهور پس از انقلاب همواره به دلایل مختلفی درخواست اختیارات ویژه داشتند، چرا چنین درخواستی همواره مطرح بوده است؟ آیا رؤسای‌جمهور به اندازه کافی اختیارات قانونی ندارند؟ قبل از انقلاب نیز درخواست اختیارات ویژه مطرح بود. برای مثال آقای مصدق از شاه درخواست اختیارات ویژه برای در اختیار داشتن ارتش را داشت که مورد تأیید شاه قرار نگرفت. معمولاً اختیارات ویژه زمانی ظهور پیدا می‌کند که یک دوگانگی قدرت رخ می‌دهد و با حاکمیت دوگانه اتفاق می‌افتد، مثلاً زمانی که دستگاه‌های سیاسی به رقابت با یکدیگر می‌پردازند و یا جای یکدیگر

نگاه کارشناس